



۲۰۱۷/۰۳/۰۷



ثریا رهیاب رحیمی

## روز بین المللی زن بهانه ای برای بیان دردهای زن افغان



گذاری به مقام و موقف زن که بدون شک نیمی از پیکر اجتماع انسانی افراد و طرز تفکر وجود دارد: در گروپ اولی کسانی شامل می شوند که به زن منحیث مادر، خواهر، همسر و شریک روزهای خوشی و دشوار زندگی مرد می نگرند و بر اساس همین معیار های با ارزش انسانی، مقام زن را ارزش و اهمیت می دهند و آنها را مستحق همه حقوق و امتیازات انسانی و بشری می دانند.

در مورد مسأله مهم بها دهی و ارج شک نیمی از پیکر اجتماع انسانی

افراد و طرز تفکر وجود دارد: در گروپ اولی کسانی شامل می شوند که به زن منحیث مادر، خواهر، همسر و شریک روزهای خوشی و دشوار زندگی مرد می نگرند و بر اساس همین معیار های با ارزش انسانی، مقام زن را ارزش و اهمیت می دهند و آنها را مستحق همه حقوق و امتیازات انسانی و بشری می دانند.

این دسته به زن حیثیت و مقام یک انسان عادی یا بلکه مهربان تر و قابل احترام تری را قایل بوده زن خانواده خود را از حق تحصیل، حق انتخاب شریک زندگی، حق کار و سایر امتیازات که به زندگی وی منوط می گردد، بهره مند می سازد او درین راستا گاهگاه عکس العمل های گوناگون و حتی نیش زبان را هم از دیگران تحمل می نماید اما از موقف و احترام و عزتی که به زنان و مقام ارجمند شان قایل اند، یک قدم به عقب نگشته بلکه هنوز هم به مبارزه شان ادامه می دهند. این گونه مردان از تعلیم و تربیه برخوردار بوده و با پیشرفت های دنیای معاصر در عرصه های گوناگون آشنایی کامل دارند. این دسته از هر لحاظ قابل تائید و افتخار بوده که هرگاه همه ساکنان یک جامعه و یک کشور به همین گونه به نقش و موقف زن در پیشرفت جامعه ارزش و ارج قایل شوند، آن کشور بزودی و به آسانی پله های ترقی و پیشرفت را یکی پی دیگری می پیماید و حقوق انسانی و ارزشهای بشری در آن کاملاً رعایت می گردد.

دسته دومی که با کمال تاسف فیصدی بیشتر اجتماع انسانی ما را تشکیل می دهند، با ارائه دلایل گونه گون می خواهند ثابت نمایند که زنان موجودات ناقص العقل اند، از لحاظ جسمی و روحی به مراتب در سطح ضعیف تر از مردان

قرار دارند، موجودات نهایت آسیب پذیر و حتی در حد ملکیت مردان قرار دارند که هر حرکت شان بایستی بوسیله مردان که شوهران، برادران و پدران شان اند، کنترل و رهبری شود. این موضوع در دور دست ترین مناطق کشور شکل قبیح تری را داراست، بخصوص در مناسبات زناشویی، شوهر به نام (صاحب) زن یاد می شود و اولاد ها و زن را گاهی حیوانات هم یاد می کنند. درین مناطق و درین نوع ارتباطات زنها تنها مسئولیت انجام کارهای خانه از قبیل پاک کاری، آشپزی، مالداري، خیاطی، به دنیا آوردن و کلان ساختن اطفال و ارضای خواهشات نفسانی مرد را به عهده دارند که عمده در هیچ یک از موارد فوق از خود اراده و آزادی نداشته مکلف به تابعیت و پیروی اوامر و ارشادات شوهران شان اند. این موضوع اگرچه از هیچ لحاظ جنبه انسانی و منطقی نداشته و هرگز نمی توان آنرا عادلانه و منصفانه خواند اما بخاطر موجودیت و برقرار بودن آن در طول سالها و سده ها، بیک عرف، عنعنه، رواج و یک اصل انکار ناپذیر و غیر قابل مناقشه تبدیل گردیده که عقاید دینی و ملاهای کم سواد و بی سواد بر شدت و جابرانه بودن آن افزوده اند. اگرچه ملاحظاتی که چند کتابی را اینجا و آنجا مطالعه نموده اند، بر سبیل تظاهر بخاطر منطقی جلوه دادن این پدیده تلاش های غیر مثمرانه شانرا بخرج داده کوشش می نمایند تا این منطق و این عرف دلخواه و صد درصد به مفاد شانرا عقلانی و تنظیم کننده نظم اجتماع بشری ثابت بسازند و بخاطر اثبات ادعای شان گاهگاهی از بی بندوباری ها و بی سروسامانی و آواره گردی های زنان در غرب مثالهای دلخواه شانرا جستجو کرده به خورد مردم می دهند که این نوع تبلیغات در میان عده ای قناعت بخش و نزد عده ای که دنیا و جهان را از نزدیک دیده یا مطالعه نموده اند، خیلی ها مضحک و ابلهانه می نماید.

به این ترتیب با حاکمیت عقاید قرون وسطایی و مردسالارانه، نیمی از پیکر اجتماع به یک گروه غیر فعال و غیر مؤلف مبدل گردیده نه تنها در آبادی و پیشرفت کشور و جامعه شان کوچکترین سهمی گرفته نمی توانند بلکه انواع و اقسام مظالم و ستم های غیر انسانی را نیز متحمل می شوند که برای اثبات این ادعای خود متأسفانه مثالها و واقعات فراوان در کشور خود داریم. از تجاوزهای دسته جمعی، دست، گوش، بینی بریدن ها تا سنگسار کردن هر روز در کنج و کنار کشور ما به وفرت اتفاق می افتد و در پهلوی این همه نباید لت و کوب و تعصبات روزمره و جنجالها و کشمکش های بی موجب و ناحق خانوادگی را از نظر دور داشت که زندگی را بر بسیاری بانوان کشور ما به یک جهنم مبدل ساخته است. برای روشن ساختن اذهان کوردلان و کهنه اندیشان که بر ذلت و در کنج خانه نگهداشتن زنها پافشاری می نمایند و آزادی های داخل چوکات اجتماعی را برای زن غیر ضروری و خطرناک می پندارند باید به صراحت اعلام داشت که زن در دنیای پیشرفته منحصراً یک انسان دارای عقل کامل و ذکاوت و توانایی در همه امور با همسر و شریک زندگی اش مساویانه سهم گرفته و در همه مزایا و مشکلات زندگی با شوهر و همسر خود سهم برابر دارد.

تجربه و احصائی منتشره همیشه بیانگر این حقیقت است که تعداد تجاوزات بر زنها در کشور های پسمانده و عقب افتاده به مراتب بیشتر و وحشتناک تر از کشور های پیشرفته است. در کشور های پیشرفته زنان در داخل شخصیت حقیقی خود زندگی می کنند، تصمیم می گیرند، اقدام و عملی می نمایند و برای خود دارای مقام و حریم مستقل استند که افتخارات و دست آوردهایش در رشته علم و دانش و فن هم به خودش و هم به خانواده و شوهر تعلق می گیرد. در آرزوی رهایی زنان کشور ما از چنگال تعصبات حاکم و فراهمی خوشبختی برای زنان کشور ما. روز هشتم مارچ بهانه ای برای یاد آوری بدبختی های زنان افغان، به همه زنان مبارک باد.